



1 و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

2 «ای پسر انسان به رئیس صور بگو: خداوند یهوه چنین می‌فرماید: چونکه دلت مغرور شده است و می‌گویی که من خدا هستم و بر کرسی خدایان در وسط دریا نشسته‌ام، و هر چند انسان هستی و نه خدا، لیکن دل خود را مانند دل خدایان ساخته‌ای.

3 اینک تو از دانیال حکیم‌تر هستی و هیچ سرّی از تو مخفی نیست؟

4 و به حکمت و فطانت خویش توانگری برای خود اندوخته و طلا و نقره در خزاین خود جمع نموده‌ای.

5 به فراوانی حکمت و تجارت خویش دولت خود را افزوده‌ای پس به سبب توانگری‌ات دلت مغرور گردیده است.»

6 بنابراین خداوند یهوه چنین می‌فرماید: «چونکه تو دل خود را مثل دل خدایان گردانیده‌ای،

7 پس اینک من غریبان و ستم کیشان امّت‌ها را بر تو خواهم آورد که شمشیرهای خود را به ضدّ زیبایی حکمت تو کشیده، جمال تو را ملوّث سازند.

8 و تو را به هاویه فرود آورند. پس به مرگ آنانی که در میان دریا کشته شوند خواهی مرد.

9 آیا به حضور قاتلان خود خواهی گفت که من خدا هستم؟ نی بلکه در دست قاتلانت انسان خواهی بود و نه خدا.

10 از دست غریبان به مرگ نامختونان کشته خواهی شد، زیرا خداوند یهوه می‌فرماید که من این را گفته‌ام.»

11 و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

12 «ای پسر انسان، برای پادشاه صور مرثیه بخوان و وی را بگو خداوند یهوه چنین می‌فرماید: تو خاتم کمال و مملو حکمت و کامل جمال هستی.

13 در عدن در باغ خدا بودی و هر گونه سنگ گرانها از عقیق احمر و یاقوتِ اصغر و عقیق سفید و زبرجد و جَزَع و یَشَب و یاقوت کبود و بَهَرَمَان و زمرد پوشش تو بود. و صنعت دَقّها و نایهات در تو از طلا بود که در روز خلقت تو آنها مهیا شده بود.

14 تو کروی مسج شده سایه گستر بودی. و تو را نصب نمودم تا بر کوه مقدّس خدا بوده باشی. و در میان سنگهای آتشین می‌خرامیدی.

15 از روزی که آفریده شدی تا وقتی که بی‌انصافی در تو یافت شد به رفتار خود کامل بودی.

16 امّا از کثرت سوداگری‌ات بطن تو را از ظلم پر ساختند. پس خطا ورزیدی و من تو را از کوه خدا بیرون انداختم. و تو را ای کروی سایه‌گستر، از میان سنگهای آتشین تلف نمودم.

17 دل تو از زیبایی‌ات مغرور گردید و به سبب جمالت حکمت خود را فاسد گردانیدی. لهذا تو را بر زمین می‌اندازم و تو را پیش روی پادشاهان می‌گذارم تا بر تو بنگرند.

18 به کثرت گناهت و بی‌انصافی تجارتت، مَقْدَس‌های خویش را بی‌عصمت ساختی. پس آتشی از میانت بیرون می‌آورم که تو را بسوزاند و تو را به نظر جمیع بینندگان بر روی زمین خاکستر خواهم ساخت.

19 و همه آشنایانت از میان قوم‌ها بر تو متحیر خواهند شد. و تو محلّ دهشت شده، دیگر تا به ابد نخواهی بود.»

20 و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

21 «ای پسر انسان نظر خود را بر صیدون بدار و به ضدّش نبوّت نما.

22 و بگو خداوند یهوه چنین می‌فرماید: اینک ای صیدون من به ضدّ تو هستم و خویشتن را در میان تو تمجید خواهم نمود. و حینی که بر او داوری کرده و خویشتن را در وی تقدیس نموده باشم، آنگاه خواهند دانست که من یهوه هستم.

23 و وبا در او و خون در کوچه‌هایش خواهم فرستاد. و مجروحان به شمشیری که از هر طرف بر او می‌آید در میانش خواهند افتاد. پس خواهند دانست که من یهوه هستم.

24 و بار دیگر برای خاندان اسرائیل از جمیع مجاوران ایشان که ایشان را خوار می‌شمارند، خاری خLENده و شوک رنج آورنده نخواهد بود. پس خواهند دانست که من خداوند یهوه می‌باشم.»

25 خداوند یهوه چنین می‌گوید: «هنگامی که خاندان اسرائیل را از قوم‌هایی که در میان ایشان پراکنده شده‌اند جمع نموده، خویشتن را از ایشان به نظر اُمّت‌ها تقدیس کرده باشم، آنگاه در زمین خودشان که به بنده خود یعقوب داده‌ام ساکن خواهند شد.

26 و در آن به امنیت ساکن شده، خانه‌ها بنا خواهند نمود و تاکستانها غرس خواهند ساخت. و چون بر جمیع مجاوران ایشان که ایشان را حقیر می‌شمارند داوری کرده باشم، آنگاه به امنیت ساکن شده، خواهند دانست که من یهوه خدای ایشان می‌باشم.»